



بسمه تعالی

جلسه هفتم استاد ریحانی - ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

تو زندگی‌هایی که هر دو والد هم هستند یکی از بزرگتری مشکلات اینه که افراد به نقش خودشون آگاه نیستند یعنی مادر فکر میکنه اگر پدر این کارو نمیکنه پس من انجام بدم که اون خلأ جبران بشه. ببینید یک مادر قوی، آگاه و با ارتباط خوب میتونه به سری خلأها رو جبران بکنه اما اگر این مادر خواست پدر بشه، میشه مثل یک ماشین پول‌دهی و دائم دلش شور بزنه که آینده فرزندم چی میشه پس من باید بیشتر کار کنم و پول بیشتری دربیارم به آسیبی که ممکنه بخوره اینه که بلوغ اجتماعی زودرسی پیدا میکنه یعنی این که مثلاً باید تو سن ۲۴-۲۵ سالگی به فکر پول درآوردن باشه و این سن میاد پایین تر یعنی به بلوغ اجتماعی و فکری زودتر از وقتی که باید بهشون دست میده.

شما ببینید به تک والد پدر ممکنه نقش خودشو خیلی خوب ایفا کنه ولی می‌دونه که مادر وجود نداره حالا این نقش عاطفی رو مادر بزرگ، خاله یا عمه می‌تونه تا حدودی داشته باشه. بنابراین پذیرش نقش‌ها اکتسابی هستش، این بچه باید ببینه پدر من داره کار میکنه پول در میاره و هزینه‌های زندگی رو داره تأمین میکنه ولی وقتی دید مادر دائماً داره دلش شور میزنه آخر اون ازدواج هم که میکنه نمیتونه کار خودشو پیش ببره. ما داشتیم موردی که دختر و پسر ازدواج کردن منتها این پسر پدرومادر فوت کردن و اطرافیان کنارشون بودن تا به به سنی که رسیدن با هم کار کردن همه چیه با هم نصف کردن الان که ازدواج هم کرده دقیقاً می‌خواد همون مدل رو اجرا کنه یعنی همه چیز رو با همسرش می‌خواد نصف کنه مثل پول آب، برق، گاز و ... چرا؟ چون تجربه همچین زندگی مشترک و مسئولیت اداره زندگی رو نداشته. ما این آگاهی رو به بچه میدیم که این نقش مال پدر هستش و جایگاه پدر رو خراب نمی‌کنیم. موضوع جایگزین فقط مال خانواده‌هایی نیستش که از والدین نیستن بلکه به وقت‌هایی هر دو والد هستن ولی متأسفانه هر دو به نقش خودشون آگاه نیستن.

اون سال اول زندگی سال ساخته شدن است متأسفانه سال اول که میشه دختر و پسر با هم میرن بیرون، چی میخوری هرچی تو بخوری، چی بخوریم یا کجا بریم، هرچی تو بگی، این فرد دوست داشته شوهر کنه و حالا که این اتفاق افتاده احساس میکنه رو هواست ولی بعد از به مدت مثلاً میرن رستوران آقا میگه دوتا از فلان غذا بیار خانم میگه خب چرا دوتا آقا میگه خب من و تو هستیم دیگه و بعد خانم میگه پس من چی خب منم حق انتخاب دارم دیگه آقا میگه تا الان هر وقت میومدیم همین بوده چی شد یهو بی در صورتیکه از اول گفتن حس هیچ اشکالی نداره، مثلاً من حس خیلی بدی دارم که شما تو بعضی از کارها ورود میکنید آره نظر تو بده ولی ورود کامل نکن.



اون روز اگه خاطرتون باشه گفتم که پدر و مادر نقششون کاملاً متفاوت هستش اصلاً شاکلشون اینه. گفتیم پدر تمرکز ایجاد میکنه و مادر توسعه میده. این پدر هستش که اون اقتدارش فرق میکنه با مادر اگه این جاها عوض بشه اون نقش تنبیه و قوه قهریه تو خونه بخواد به مادر برسه بچه ها خیلی بیشتر اذیت میشن. محبت پدر همراه با محاسبه هست ولی محبت مادر بی دریغه. این از هر نیازی بالاتره که نیم ساعت تا یک ساعت بدون هیچ کسی زن و شوهر باید با هم وقت خلوت حرف زدن داشته باشن یعنی برن بشینن که حرف بززن.

همیشه برای هر کسی از دست رفتنی های زیادی وجود داره، امیرالمومنین^(ع) کلام خیلی زیبایی دارن که می فرماید به گذشته خودتون حق ندارید فکر کنید مگر اینکه از گذشته تجربه کسب کنید چرا؟ چون در گذشته چیزهایی داشتید که الان ندارید. بازنگری دائم در گذشته باعث ایجاد افسردگی در شما میشه، به آینده خود حق ندارید فکر کنید مگر اینکه یک برنامه ریزی کوتاه مدت بکنید چرا؟ چون در آینده چیزهایی خواهید داشت که الان ندارید فکر کردن در مورد اونها شما را دچار توهم میکند.

در مورد آینده تقریباً در حد یک برنامه ریزی کوتاه مدت حق دارید که فکر کنید اما این امروز رو باید دریابید اینکه من یه روزایی مثلاً یک مسافرت دو نفره رو از دست دادم ولی الان حسرت خوردنش فایده نداره. این که من بتونم از امروز به نحو احسن استفاده کنم مهمه نه حسرت خوردن های دائمی. اینقدر این چیزا تو ذهن آدم هست چون انسان یک عمر زندگی میکنه و یک عمر با خاطراتش زندگی میکنه، شما باید اون خاطرات رو بگردید و تو زندگی و تو ذهن خودت لیست کنید مثل خاطرات و زمان هایی که بهت حال خوب میده، وقتی بر میگردی حالت رو خوب میکنه.

پایان مبحث

جلسه هفتم استاد ریحانی

۱۴۰۳/۲/۱۱